

نقش خاندان‌ها در تاریخ با تاکید بر خاندان‌های شیعی

فاطمه جعفرنیا^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۰

چکیده

حضور خاندان‌های گوناگون و ایفای نقش در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در جوامع مختلف در طول تاریخ از موضوعات درنگ‌کردنی در تاریخ شیعه امامیه نیز خاندان‌های بسیاری چه در عصر حضور امامان شیعه و چه در عصر غیبت در دگرگونی‌های جامعه شیعی تأثیرگذار بوده‌اند. این پژوهش بر آن است تا ضمن اشاره اجمالی به نقش خاندان‌ها در ایران و شبه جزیره عربی، به واکاوی نقش سیاسی و فرهنگی خاندان‌های شیعه پردازد. نتیجه مبین آن است که علاوه بر تأثیرگذاری خاندان‌ها در ایران و شبه جزیره، در تاریخ حیات شیعه امامیه، خاندان‌های بسیاری از زمان امامان شیعه تا دوره معاصر در انتقال و گسترش و تبیین و تعلیم مبانی فکری و آموزه‌های شیعه سهیم بوده و همچنین برخی از این خاندان‌ها در عرصه سیاسی حضور داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: خاندان، شیعه امامیه، حدیث، فقه

^۱ استادیار تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نقش خاندان‌ها در جوامع مختلف و در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از موضوعات قابل توجه در تاریخ است. در مناطقی مانند ایران و شبه جزیره عربی، خاندان‌های مختلفی در طول تاریخ، عهده‌دار امور در زمینه‌های گوناگون بوده‌اند. در تاریخ شیعه امامیه نیز خاندان‌های متعددی در ادوار تاریخ این مذهب به ایفای نقش پرداخته‌اند. حضور خاندان‌های شیعی گوناگون کنار امامان در عصر حضور و دوره‌های پس از آن حضور داشته و این خاندان‌ها در دگرگونی‌های جامعه شیعی تأثیرگذار بوده‌اند. این خاندان‌ها در گرفتن احکام و گسترش علوم و معارف اهل بیت (ع) در جامعه اسلامی بسیار کوشیدند و در صحنه مبارزات سیاسی حاضر شدند. این پژوهش بر آن است تا ضمن اشاره به نقش خاندان‌ها در ایران و شبه جزیره عربی، به واکاوی نقش خاندان‌های شیعی در ادوار مختلف بپردازد. توجه به نقش خاندان‌های شیعی در پاسداشت میراث شیعی و عملکرد سیاسی برخی از این خاندان‌ها، از اهداف این پژوهش است.

درآمدی بر مفهوم خاندان

خاندان در لغت به معنای تبار، قبیله و دودمان است (دهخدا، ۱۳۲۵: ذیل واژه خاندان) و در اصطلاح به چند خانواده وابسته به هم گویند که در تمام آن‌ها وابستگی از طریق پدر است. مترادف خاندان در زبان عربی آل می‌باشد. ریشه آل از اهل است. آل در اصطلاح جز به شرفا و اعلام و زعمای قوم و طائفه اطلاق نمی‌گردد و مقید به زمان و مکان هم نیست. واژه آل به مفهوم خاندان و اعقاب مردی شریف می‌باشد (آذرنوش، ۱۳۶۸: ۱/۵۳۶). این واژه به معنی خویشان، خاندان، فرزندان، فرزندزادگان، تبار، اهل بیت، قبیله و عشیره می‌باشد (دهخدا، ۱۳۲۵: ذیل واژه آل). بیت به معنای خانه و جمع آن بیوت، و جمع الجمع آن بیوتات می‌باشد. بیت و بیوتات عرب، شرافت قبیله‌ای را در برمی‌گرفت. از کلمه بیت، معنی شرف و مقام عالی را نیز اراده کرده‌اند. همچنین به معنای شخص با شرافت و شریف نیز می‌باشد (زبیدی، ذیل واژه بیت).

خاندان‌ها به طور کلی بر حسب منطقه جغرافیایی، نژاد، دین و وابستگی طبقاتی تقسیمات متفاوتی دارند. نگاهی به تاریخ جوامع مختلف نشان می‌دهد که در هر جامعه‌ای، خاندان‌هایی بوده‌اند که عهده‌دار اموری بوده و این کار به صورت موروثی در آن خاندان تداوم یافته است. حال ممکن است این خاندان در عرصه سیاسی، منصبی را برای مدت‌ها عهده‌دار بوده و یا در عرصه فرهنگی فعالیت داشته و این کار برای چندین نسل در آن خاندان باقی مانده است. در تاریخ شیعه هم علاوه بر خاندان‌های سیاسی، خاندان‌هایی در عرصه علم و فرهنگ برای مدت‌ها فعالیت داشته‌اند. برای زمینه‌سازی بحث از خاندان‌های شیعی، اشاره‌ای کوتاه به نقش و تاثیرگذاری خاندان‌ها در ایران و شبه جزیره خواهیم داشت.

نقش خاندان‌ها در ایران پیش از اسلام

در زمان ساسانیان نجبای بزرگ که با روحانیان مهمترین طبقات بودند، خود به چند طبقه فرعی تقسیم می‌شدند. در راس این طبقات فرعی، افراد هفت خاندان که از همه نجیب‌تر بودند قرار داشتند. افراد خاندان‌ها معتبرترین تمام ایرانیان بودند و چنان که گفته‌اند هر میزان معروف از افراد یکی از هفت خاندان بود. اصل این خاندان‌ها را از زمان زرتشت می‌دانند. ویشتاسپ (گشتاسپ) شاه به هفت تن از بزرگان، بالاترین مقام موروثی را بخشید. البته این هفت خاندان را که در دوره ساسانیان از همه بالاتر بوده‌اند، نباید از اعقاب آن هفت تن دانست که داریوش را به سلطنت رسانیدند بلکه این رسم در شاهنشاهی بزرگ ایران همیشه مراعات می‌شده است که هفت خاندان را از همه معتبرتر بدانند و یکی از این خاندان‌ها، لااقل در شاهنشاهی هخامنشی و ساسانی، خود خاندان شاهی بوده است. مسلم است که بسیاری از این خاندان‌ها در زمان اشکانیان نیز قدرت فراوانی داشته‌اند (نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۶۴). طبری نام چهار تن از هفت تنی را که به وسیله ویشتاسپ به عالی‌ترین مقامات رسیدند نام می‌برد و سه تن از آن‌ها یعنی کارن، سورن و سپندیار را با لقب پلهوی یا پهلوی یعنی پارثی یاد می‌کند (۱۳۶۸: ۴۳۸/۲). کارن‌ها و سورن‌ها از افراد خود خاندان اشکانیان بودند. افراد خاندان قارن (کارن) که در قرن اول پس از مسیح می‌زیسته‌اند، تا مدت‌ها پس از سقوط ساسانیان نیز به حیات خود ادامه داده است (نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۶۵). مرزبانان طبرستان که از فرزندان کارن، سپهبد موروثی خراسان بودند، طی نسل‌های متعدد به عنوان امرای مستقل خود را نگاه داشتند (همان، ۴۷۹). از خاندان سورن تا آخرین دوره ساسانی آگاهی هست با

آن که نام ایشان در منابع عربی و فارسی بسیار کم دیده می‌شود. در این منابع افراد این خاندان ذیل نام‌های شخصی خود و یا ذیل نام‌های مناصب خود و یا ذیل نام‌های خانواده‌های فرعی که این خاندان به آن‌ها منشعب شده است ذکر شده‌اند (همان، ۴۶۵). خاندان مهران نیز از جمله هفت خاندان و از اصل اشکانی بوده‌اند. سپندیار را معمولاً پسر خود بشتاسپ می‌دانند و خاندان ساسانی نسب خود را به او و پسرش بهمن می‌رسانند.

مسلم است که عدد تام و مقدسی مانند عدد هفت به طور دائم فقط می‌تواند معنی ظاهری داشته باشد و در طی چهارصد سال، اوضاع سیاسی و قدرت‌ها بر یک منوال و پایدار نبوده است که هفت خاندان نیز به همان منوال دوام داشته باشد. زیرا اعتبار این خاندان‌ها بستگی به اوضاع قدرت‌ها دارد. بدون شک در ایران، قدرت خاندان‌های بزرگ بر پایه مالکیت ارضی بوده است و قدرت امرا در نواحی مخصوص به خودشان بوده است؛ زیرا در غیر این صورت این خاندان‌ها فوراً زیر فشار پادشاهان قرار می‌گرفتند (همان، ۴۶۷).

گاهی این خانواده‌های بزرگ در ایران برای بسیاری از پادشاهان ایران در دسرهایی ایجاد کرده‌اند و بعضی از آن‌ها را از سلطنت خلع کرده و حتی بعضی را به قتل رسانیده‌اند. اما پادشاهانی مانند شاپور دوم و خسرو اول می‌دانستند چگونه این نجبا را مطیع خود سازند. جنگ‌های داخلی در آغاز سلطنت خسرو دوم شاید قدرت نجبای بزرگ را موقتاً درهم شکسته بود، ولی با هرج و مرج و وحشتناکی که پس از خلع او از سلطنت آغاز شد. لجام گسیختگی این خانواده‌ها دوباره به بدترین وضعی ظاهر شد و این امر در سقوط ساسانی موثر افتاد (همان، ۴۶۹).

با توجه به آن چه گفته شد، در ایران باستان خاندان‌هایی در کنار خاندان سلطنت حضور داشته‌اند که متصدی امور مهم کشوری و لشکری بوده‌اند. عنوان‌ها و مناصبی که از سوی پادشاه به آن‌ها اعطا می‌شد و گاه ممکن بود این منصب برای مدت‌های طولانی در یک خاندان باقی بماند. قدرت و نفوذ این خاندان‌ها قابل توجه است. به طوری که گاه در انتخاب پادشاه و یا حتی تضعیف حکومت و فروپاشی آن نقش داشته‌اند. به هر حال نقش این خاندان‌ها در ایران باستان در عرصه مناسبات سیاسی قابل توجه است.

در ایران، نام خاندان‌ها و خانواده‌های بزرگ، جزئی لاینفک از آن به شمار رفته، و به عنوان هویت و شناسنامه این سرزمین شناخته می‌شود. برای نمونه به خاندان سادات دشتکی در شهر

شیراز یا خاندان سادات طباطبایی در شهر بروجرد و قاضی طباطبایی در شهر تبریز می‌توان اشاره کرد.

نقش خاندان‌ها در شبه جزیره عربی پیش از اسلام

مسأله خاندان‌ها و بیوتات در شبه جزیره عربی (منطقه حجاز با تاکید بر مکه) قبل از اسلام نیز قابل ملاحظه است. به نظر می‌رسد که اهمیت خاندان‌ها در این منطقه را باید بر اساس ساختار دینی آن بررسی کرد. با توجه به نظام بت پرستی رایج در آن منطقه، خاندان‌هایی که به امور بیوتات (بت خانه‌ها) -واژه بیت گاه به پرستشگاه و مکان مقدس نیز اطلاق می‌گردد- می‌پرداختند و در واقع متولی امور بت‌خانه‌ها بوده‌اند، مناصب مهم را نیز در اختیار داشته‌اند. بت‌های زیادی در آن منطقه مورد پرستش بوده، اما برخی از آن‌ها مورد توجه اکثریت اعراب بوده است و با توجه به اهمیت آن‌ها، متولیان آن‌ها نیز از نفوذ و اهمیت بیشتری در جامعه برخوردار بوده‌اند (ابن کلبی، ۱۳-۲۸).

با توجه به این که، کعبه مورد احترام اکثریت اعراب بود و بت‌هایی که در آن قرار داشت، مورد پرستش و توجه آن‌ها بود، خاندانی که متولی امور کعبه بودند از اهمیت خاصی برخوردار بودند. این منصب در دست قریش (خاندان اصلی قصبی بن کلاب) بود و مناصب مهم که در ارتباط با این امر بود، در اختیار آن‌ها قرار داشت. مناصب محدودی در جامعه شبه جزیره عربی وجود داشت که در اختیار برخی خاندان‌های مهم بود (برو، ۱۹۸۸: ۱۸۰). با ظهور اسلام و دگرگونی در ساختار دینی و اجتماعی شبه جزیره عربی، این مناصب و موقعیت‌ها نیز متحول شد. در زمان پیامبر (ص) در بین مسلمانان، مسأله خاندان‌ها به صورتی که در ایران باستان و شبه جزیره عربی وجود داشت، دیده نمی‌شود. مسلمانان در جامعه اسلامی تحت رهبری پیامبر (ص) در اداره امور جامعه مشارکت داشتند. البته بعد از رحلت پیامبر (ص) و برتری و تفاخر طلبی برخی خاندان‌ها مانند خاندان عثمان، خاندان امیه، خاندان زبیر و خاندان عباس موجب شد که در اسلام نیز خاندان‌هایی قدرت گیرند که به صورت موروثی حکومت و مناصب را در اختیار داشتند.

نقش خاندان‌ها در تاریخ شیعه

ظاهراً در ارتباط با واژه آل نزد مسلمانان یک سابقه و ذهنیتی وجود داشته است و آن اشاره‌ای است که در قرآن به اهل بیت می‌شود. همچنین در قرآن واژه آل به معنای خاندان (چون آل

عمران، آل ابراهیم و آل یعقوب) به کار رفته است. آل عبا عنوانی است که برای حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س) و دو فرزند آنان حسن(ع) و حسین(ع) به کار می‌رود و از آنان به آل کساء و اصحاب کساء نیز تعبیر می‌شود. ماخذ این عنوان روایتی است که به حدیث کساء معروف است و در منابع حدیث فریقین از طرق بسیار نقل شده است (ابن حنبل، بی.تا: ۲۶/۵).

مسأله خاندان‌ها در تاریخ شیعه بیشتر از سایر گروه‌ها در جامعه اسلامی مطرح است. درباره علت وجود خاندان‌های متعدد شیعی باید به وضعیت امامان شیعه و همین‌طور شیعیان توجه داشت. مذهب شیعه به عنوان یک گروه مخالف حاکمیت در حاشیه قرار داشت. خطراتی که پیروان این مذهب را تهدید می‌کرد، آن‌ها را ملزم به رعایت تقیه می‌کرد. اصولاً تقیه یکی از ابزارهای چنین گروه‌هایی است. در چنین شرایطی، مذهب شیعه برای بقاء و تداوم خود و حفظ اصول و مبانی فکری نیازمند افرادی بود که این میراث را حفظ و نگهداری کرده و به آیندگان منتقل نمایند. مسلماً افرادی که در این زمینه فعالیت می‌کردند، باید افراد مطمئن و قابل اعتمادی می‌بودند تا اسرار مذهب را حفظ کرده و در انتقال آن بکوشند. معمولاً در چنین شرایطی این کار به صورت موروثی صورت می‌گرفت. خاندان‌های شیعی چه در دوره حضور و چه در دوره غیبت نقش مهمی را در انتقال میراث فکری و فرهنگی شیعه ایفاء کرده‌اند.

خاندان‌های شیعی در قرون اول و دوم تا نیمه قرن سوم هجری (دوره حضور امامان شیعه)

در بررسی خاندان‌های شیعی، می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: خاندان‌هایی که از قرون اول و دوم تا نیمه قرن سوم هجری، یعنی در دوره حیات امامان شیعه حضور داشته‌اند. افراد این خاندان‌ها عمدتاً از شاگردان و برخی نیز از خواص یاران و اصحاب امامان شیعه بوده‌اند. بیشتر افراد این خاندان‌ها به صورت مستقیم راوی احادیث امامان شیعه بوده‌اند (برای نمونه نک: افراد خاندان‌هایی مانند اعین، اشعری و یقطین). خاندان‌هایی که در این دوره فعالیت دارند، در شکل‌گیری و تکوین مبانی فکری شیعه نقش داشته‌اند. پایه و اساس مبانی فکری شیعه در این دوره توسط امامان شیعه گذاشته شد و توسط این خاندان‌ها جمع‌آوری و تدوین شده و به دوره‌های بعد منتقل شد. حضور این خاندان‌ها سبب انتقال روایات

و احادیث ائمه(ع) به دوره‌های بعد شد. این خاندان‌ها در پاسداشت میراث فکری و آموزه‌های شیعی نقش مهمی داشتند. برخی از این خاندان‌ها نیز علاوه بر فعالیت در زمینه‌های علمی و فرهنگی، در حوزه سیاسی نیز فعال بوده‌اند. خاندان یقظین از جمله خاندان‌های شیعی در عصر حضور است که البته با اجازه امامان شیعه، برخی افراد این خاندان در دستگاه خلافت، مناصبی را عهده‌دار بودند(جهشیاری، ۱۳۷۵: ۱۰۶). این دسته از شیعیان جهت کمک به جامعه شیعیان و با اجازه امامان شیعه در دستگاه خلافت فعالیت می‌کردند(مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۹/۷۵).

در ادامه به تعدادی از خاندان‌های شیعی در این دوره اشاره می‌شود: ۱. خاندان ابی اراکه، از ثقات اصحاب و اکابر راویان بود(امین، ۱۴۰۳: ۸۸/۲)؛ ۲. خاندان ابی جعد، سه نفر از افراد این خاندان از خواص یاران امام علی(ع) و یک نفر از خواص یاران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود(طوسی، ۱۴۱۱: ۶)؛ ۳. خاندان ابی جهم، مورد توجه و نماینده و وکیل ائمه(ع) بوده‌اند(نجاشی، ۱۴۰۸: ۱۲۸، ۲۹۷)؛ ۴. خاندان ابی رافع، از خاندان‌های مشهور شیعه که در ترویج و جمع آوری حدیث نقش مهمی ایفا کرده‌اند. فردی از این خاندان نخستین کس از شیعه است که در ابواب فقه کتاب تألیف نمود(طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۲)؛ ۵. خاندان ابی ساره، یکی از افراد این خاندان، اولین شخصی است که در علوم قرآنی تألیفی انجام داد. از علمای نحو و لغت بودند(حلی، ۱۳۹۲: ۱۰۳)؛ ۶. خاندان ابی سبره، تمام افراد این خاندان از محدثین امامیه و از اصحاب ائمه(ع) بودند(نجاشی، ۱۴۰۸: ۸۰)؛ ۷. خاندان ابی شعبه، از خاندان‌های علم و حدیث شیعه. اغلب رجال آن از شاگردان و اصحاب ائمه(ع) بوده‌اند(طوسی، ۱۴۱۱: ۱۷۷، ۱۵۶، ۱۳۰)؛ ۸. خاندان ابی صفیه، اغلب رجال این خاندان محدث و از راویان اخبار و احادیث ائمه(ع) بوده‌اند(نجاشی، ۱۴۰۸: ۸۳)؛ ۹. خاندان اعین، تعداد زیادی از علما و فقها و ادبا و مفسرین و راویان حدیث از این خاندان برخاسته‌اند(برقی، ۱۴۱۹: ۱۴)؛ ۱۰. خاندان حیّان، همه افراد این خاندان از محدثین شیعه می‌باشند(بحرالعلوم، ۱۳۶۳: ۲۰۹/۱-۳۲۲)؛ ۱۱. خاندان زبیر، از فرزندان زبیر اسدی کوفی و از خاندان‌های علمی قدیمی در کوفه می‌باشند(حلی، ۱۳۹۲: ۲۷۱)؛ ۱۲. خاندان عطیه، اغلب افراد این خاندان محدث و از راویان و اصحاب ائمه(ع) می‌باشند(طوسی، ۱۴۱۱: ۱۶۷، ۲۴۳)؛ ۱۳. آل موسی، اغلب افراد این خاندان از فقهای شیعه و یاران ائمه(ع) هستند(همان، ۱۴۲، ۲۱۹، ۲۳۵)؛ ۱۴. خاندان مهزمی، از

خاندان‌های بزرگ علمی شیعه در بصره است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۱۵۱)؛ ۱۵. خاندان مهلب، از خاندان‌های شیعی مخالف با بنی امیه. افراد این خاندان همه از نجبا و اشراف و شجاعان و بسیاری از آنها نیز اهل علم و ادب بودند (افندی الاصفهانی، ۱۴۰۱: ۳/۳۷۸)؛ ۱۶. خاندان نعیم ازدی، از خاندان‌های علمی کهن شیعه و غالباً محدث و از اصحاب ائمه (ع) بوده- اند (نجاشی، ۱۴۰۸: ۷۸، ۸۷)؛ ۱۷. خاندان نوبخت، از خاندان‌های کهن علم و زعامت شیعه در بغداد است و یکی از افراد این خاندان از نواب خاص امام زمان (ع) بود (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۱۷۷، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۲۵)؛ ۱۸. خاندان نهیک، از خاندان‌های بزرگ شیعی در کوفه و بصره که از راویان حدیث بودند (حلی، ۱۳۹۲: ۱۹۸-۱۹۹)؛ ۱۹. خاندان یسار، همه افراد این خاندان محدث و فقیه و از یاران ائمه (ع) بوده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۳۲، ۲۴۵)؛ ۲۰. خاندان یقظین، از قدیمی‌ترین خاندان‌های علم و مبارزه شیعه در کوفه و بغداد است (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۶۵-۳۷۱).

خاندان‌های شیعی در دوره غیبت

در دوره غیبت که شیعیان دسترسی به امام نداشتند، همین میراث برجای مانده، پاسخگوی نیاز جامعه شیعه بود. طبیعتاً در چنین شرایطی، افراد و خاندان‌هایی بودند که به حفظ و حراست این میراث اهتمام ورزیده و در عین حال با بحث و بررسی پیرامون مبانی فکری شیعه به تبیین آن پرداخته و در گسترش و تکامل آن تلاش می‌کردند و پاسخگوی نیاز جامعه شیعه بودند. در این عرصه خاندان‌هایی بودند که به صورت موروثی حفظ و تبیین میراث شیعه را وجهه همت خود قرار داده و مدافع حقوق شیعه بودند. در این دوره، حضور خاندان‌های شیعی و عملکرد آنها، حفظ میراث شیعه را به دنبال داشت. خاندان‌های شیعی در مناطق مختلف با اقدامات خود از سویی سبب رواج تشیع در مناطق مختلف شدند و به عبارتی به رونق تشیع در مناطق مختلف یاری رساندند و از سوی دیگر با تعلیم و آموزش، سبب تبیین آموزه‌های شیعی و انتقال مبانی فکری شیعی به دوره‌های بعد شدند. در شرایطی که شیعه در جهان اسلام یک گروه اقلیت به شمار می‌رفت و در برابر مخالفان خود، وجود همین خاندان‌های شیعه به تداوم حیات جامعه شیعی یاری رساند. افراد این خاندان‌ها، علاوه بر تعلیم و تربیت شاگردان با تألیف آثار و کتاب‌های متعدد در تبیین اندیشه‌های شیعه تأثیرگذار بودند. در ادامه به برخی از خاندان‌های شیعی اشاره می‌شود:

۱. خاندان ابی جراده، خاندان علمی شیعی که در قرن سوم هجری از عراق به حلب کوچ کردند (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۳۰/۷، ۱۰۷/۸)؛ ۲. خاندان ثوابه، از خاندان‌های علمی شیعه در نیمه قرن سوم هجری است (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۲۱۳)؛ ۳. خاندان ابی سمّال، رجال این خاندان از بزرگان محدثین و مورخین و اصحاب ائمه (ع) بوده‌اند. از اکابر رجال شناسان و کتاب شناسان امامیه از نیمه قرن چهارم تا نیمه قرن پنجم ق (نجاشی، ۱۴۰۸: ۱۶، ۷۴، ۱۴۷)؛ ۴. خاندان ابی اللجیم، از قدیمی‌ترین خاندان‌های بزرگ علم و زعامت شیعه در قزوین در نیمه دوم قرن چهارم تا قرن هفتم است (افندی الاصفهانی، ۱۴۰۱: ۹۲/۱، ۱۵/۵)؛ ۵. خاندان اعرجی، از قدیمی‌ترین و بزرگترین خاندان‌های علمی شیعه در ایران و عراق و لبنان از نیمه اول قرن ششم تا قرن نهم هجری است (ابن عنبه، ۱۳۸۰: ۳۱۸)؛ ۶. خاندان أعسم، از خاندان‌های بزرگ علمی در نجف و کربلا و کاظمین از نیمه دوم قرن دوازدهم تا نیمه اول قرن چهاردهم است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۴۹۷/۲، ۲۳/۱۰، ۴۰/۱۸)؛ ۷. خاندان بابویه، از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین خاندان‌های علم و زعامت شیعه در قم، ری و بغداد و از بزرگان فقهای شیعه در قرن چهارم و نیمه دوم قرن هشتم است (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۳۴/۳، ۴۰۰/۷-۴۰۳)؛ ۸. خاندان بُنجیر، از خاندان‌های علم و فضل و عرفان و تصوف و شعر در نیمه دوم قرن پنجم تا نیمه دوم قرن هشتم هجری؛ این خاندان آثار زیادی در شیراز از خود به یادگار گذاشته‌اند (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۲۳، ۳۷۶)؛ ۹. خاندان حَرَفُوش، از قدیمی‌ترین و بزرگترین خاندان‌های علم و فضل و شعر و حاکمیت شیعه در بعلبک لبنان در قرن هشتم و از قرن نهم تا قرن سیزدهم. این خاندان چند قرن در این منطقه حاکمیت داشت (افندی الاصفهانی، ۱۴۰۱: ۱۳۱/۵-۱۲۸)؛ ۱۰. خاندان حمدانی، از خاندان‌های کهن فقاها و مرجعیت و زعامت شیعه و سفرای امام زمان (ع) و از شیوخ امامیه در قزوین در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است (اردبیلی غروی، ۱۴۰۳: ۴۸/۱، ۱۹۵، ۱۰۴/۲، ۲۳۴)؛ ۱۱. خاندان خاتون، از خاندان‌های علمی شیعه در اصفهان، خراسان، جبل عامل و حیدرآباد در نیمه دوم قرن دهم تا قرن سیزدهم هجری است (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۹۱/۸)؛ ۱۲. خاندان دوریستی، از خاندان‌های قدیمی مشهور علمی شیعه و ری در قرن چهارم تا قرن ششم که جمعی از علما و فقها و محدثین و شعرا از این خاندان برخاسته‌اند (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۶۴/۲)؛ ۱۳. خاندان سلماسی، از خاندان‌های علمی شیعه در کاظمین در قرون سیزدهم و چهاردهم هجری

است (امین، ۱۴۰۳: ۳/۳۲۶، ۷/۱۶۷)؛ ۱۴. خاندان عبدالجبار، از قدیمی‌ترین خاندان‌های علم و فضل و فقاقت و رهبری شیعه در ایران و عراق و حجاز در قرون سیزدهم و چهاردهم هجری است (همان، ۷/۲۹۵، ۹/۳۸۱)؛ ۱۵. خاندان قاموسی، از خاندان‌های علمی و ادبی شیعه در نجف در قرن چهاردهم هجری است (همان، ۱۳/۱۳۶)؛ ۱۶. خاندان کاشف الغطاء، از خاندان‌های مشهور علمی شیعه در نجف که تعداد زیادی از علما و فقها و شعرا از این دودمان برخاسته‌اند (همان، ۴/۹۹، ۸/۳۱۶)؛ ۱۷. خاندان مجلسی، از خاندان‌های بزرگ علمی شیعه در اصفهان در قرون یازدهم و دوازدهم هجری است (افندی الاصفهانی، ۱۴۰۱: ۳/۲۳۶)؛ ۱۸. خاندان نصار، از خاندان‌های علمی شیعی در نجف در قرون دوازدهم و سیزدهم هجری است (امین، ۱۴۰۳: ۲۸/۱۰۶)؛ ۱۹. خاندان نعمة، از خاندان‌های علم و ادب شیعه در لبنان در قرون سیزدهم و چهاردهم هجری است (همان، ۸/۶۰-۶۲)؛ ۲۰. خاندان هیثم، از خاندان‌های علمی شیعه ری در قرون چهارم و پنجم هجری است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۴۸).

نتیجه‌گیری

در تبیین نقش خاندان‌های شیعه باید توجه داشت که شیعه به عنوان یک اقلیت تحت شرایط سختی روزگار می‌گذراند. با توجه به تحت نظر بودن امامان شیعه و بعد از آن سخت‌گیری حکومت‌ها نسبت به شیعیان، نقش این خاندان‌ها در انتقال مبانی فکری شیعه و تبیین و ترویج اندیشه‌های شیعه و پاسداری از آن و انتقال به نسل‌های بعد بسیار ارزشمند است. در واقع می‌توان گفت که بخشی از جاودانگی مبانی فکری شیعه یا آموزه‌های شیعی مرهون خدمات این خاندان‌هاست. از بررسی حدود سیصد خاندان شیعی در ادوار مختلف به لحاظ پراکندگی جغرافیایی، عمده این خاندان‌ها در شهرهای عراق و به ترتیب در نجف، کربلا، کاظمین، کوفه، بغداد، بصره، حلّه، عماره و سامراء ساکن بودند. پس از آن در ایران و بیشتر در شهرهای قزوین، تهران، اصفهان، خراسان، قم، ری، شیراز، خوزستان، آذربایجان و کاشان سکونت داشتند. همچنین در منطقه حجاز، مصر، شبه قاره هند، لبنان، سوریه و نیز اندونزی خاندان‌های شیعی حضور داشته‌اند. برخی از این خاندان‌ها برای چندین قرن فعال بوده‌اند یا عده‌ای از افراد یک خاندان در دوره حضور از شاگردان ائمه (ع) بوده‌اند. به صورت مشخص از قرن اول هجری و از دوره امام علی (ع)، بحث نقش خاندان‌های شیعی

مطرح است. علاوه بر نقش علمی و فرهنگی خاندان‌های شیعه، این خاندان‌ها در عرصهٔ سیاسی نیز فعالیت داشته‌اند.

کتابنامه

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۶۸)، آل، دائره المعارف بزرگ اسلامي، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامي
- آقا بزرگ طهراني، محمدحسن (۱۴۰۳)، الذريعه الي تصانيف الشيعة، بيروت، دارالاضواء.
- ابن حنبل، احمد (بی.تا)، المسند، قاهره، مکتبه التراث الاسلامي
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶)، الفهرست، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی.
- ابن عنبه، احمد بن علی (۱۳۸۰ق)، عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، بی.جا، المطبعه الحیدریه
- ابومنذر، هشام بن کلبی (۱۹۹۵)، الاصنام، قاهره، دارالکتب المصریہ
- اردبیلی غروی، محمد بن علی (۱۴۰۴)، جامع الرواه، قم، مکتبه آیه الله مرعشی
- افندی الاصفهانی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم، مطبعه خیام
- امین، سید محسن (۱۴۰۳)، اعیان الشيعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات
- بحر العلوم، سید محمد مهدی (۱۳۶۳)، رجال بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق برقی، احمد بن محمد (۱۴۱۹)، رجال، قم، النشر الاسلامي
- جهشپاری، (۱۳۷۵ق)، الوزراء و الكتاب، قاهره، بی.نا
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵ق)، امل الآمل فی علماء جبل عامل، بغداد، مکتبه الاندلس
- حلی، حسن بن علی بن داود (۱۳۹۲)، رجال، نجف، مطبعه حیدریه
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، لغت نامه، تهران
- زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۰۶)، تاج العروس، مصر، مطبعه الخیریه
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۶۸)، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، رجال کشی، قم، موسسه آل البيت
- (۱۴۱۱)، رجال، قم، دارالذخائر
- (۱۴۱۷)، الفهرست، قم، موسسه النشر الاسلامي
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء
- مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۶۹)، ریحانه الادب، تهران، خیام

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۸)، رجال، بیروت، دارالاضواء

نولدکه، تئودور (۱۳۷۸)، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس

زریاب، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵)، تذکره ریاض العارفین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی